گفت‌وگو با نویسنده متفکر و مبارز فلسطینی

«وحدت میدان ها» دشمن را به هراس انداخته است

گفت وگو

گروه جهان

حضـور در زمـان و مکان مناسـب یا نا مناسـب می تواند پایـه گذار بسـیاری از تحـولات در زندگی هر شـخصی باشد. منیر شـفیق از آن دسـت افراد اسـت که در یکی از حسـاس ترین زمان ها و مکان ها در تاریخ بشـریت زاده شـد. زمان تولد او ۱۹۳۶، اوج جنگ جهانی دوم و مـکان آن بیت المقدس بود. شـفیق فقط ۱۱ سـال داشـت که مقابل چشـمانش زادگاهـش عرصه نبردهـای خونینی شـد که یک سـال بعد اشـغالگری رژیم صهیونیسـتی و تبدیل بیت المقدس به کانـون توجه جهانـی را به دنبال داشـت. با ایـن حال این تمـام چیزی نبـود که زندگـی او را جهـت داد. شـفیق در کنار ایـن زمان و مکان حسـاس، زاده یک خانواده فلسـطینی مسـیحی، با پدری چپگـرا بود که بعد از آغاز اشـغالگری فلسـطین از پسـرش خواست، هرگز وارد سیاسـت نشـود، پندی که او به گوش نگرفت و در ۱۶ سالگی عضو گروه های چپگرای کمونیسـت شـد و بعد از آن به فعالیت های سیاسـی خود شـتاب بخشـید. نکته دیگری که او را فردی متمایز نشـان می دهد، تغییر مذهب از مسـیحیت به اسـلام است. مجموع این ویژگی ها باعث شـد تا منیر شـفیق با نگاه نافذی که نسـبت بـه وقایع پیرامون خـود از کودکی تا جوانی داشـته است، تبدیل به معدود نویسـندگان متفکر و استراتژیست فلسـطینی شود که خاطرات او از ایـن رویدادها خـود بیانگر تاریخ آمیخته به ظلمی اسـت که بر مردم فلسـطین رفته اسـت. منیر شـفیق در کتاب خود، «اخگر به گریبان» که با ترجمه حسـین جابری انصاری در انتشـارات موسسـه ایران به چاپ رسـیده، از این تاریخ سـخن می گوید و شـرح مـی دهد که چگونه از حزب کمونیسـت جدا شـد و مسـیر دفاع از فلسـطین را در پیش گرفت. او در این کتاب همچنین تاریخچه ای از مسایل داخلی فلسـطین را نیز ترسـیم کرده اسـت. با توجه به اهمیت چهره منیر شـفیق در تاریخ فلسطین، رسـانه عربی KHAMENEI.IR اخیراً گفت‌وگویـی با وی درباره آخرین تحولات صحنه فلسـطین و موازنـه جدید قدرتی کـه بین نیروهای جریـان مقاومت و رژیم اشـغالگر رخ داده داشـته که ترجمه فارسـی آن را می خوانید:

شما وضعیت مقاومت فلسطین را چگونه می‌بینید و آیا تحرکات اخیر یک تحول محدود و گذرا یا یک تحول ریشه‌ای و عمیق است؟

به طـور کلی و با توجه به تحولاتـی که در مقاومت فلسـطین و در کرانه باختری و مسـجدالاقصی به صورت خـاص اتفاق افتاده اسـت، می‌توان گفت یـک پیشـرفت بی‌سـابقه در مقاومـت رخ داده است؛ پیشـرفتی که بسـیاری از کارشناسان حوزه فلسـطین آن را پیش‌بینـی نمی‌کردند.

بـرای مثـال در مـاه مبـارک رمضان امسـال باید بگویـم تصمیـم رژیم‌صهیونیسـتی بـرای عـدم فرسـتادن شـهروندان خـود به منظـور حمله به مسـجدالاقصی، به‌عنوان یک شکسـت سـنگین برای صهیونیسـم تلقی شـد؛ رژیم صهیونیسـتی که طـرح و برنامـه اصلـی خـود را در چهارچوب تقسـیم مسـجدالاقصی در وهلـه اول و سـپس تغییر نـام آن به منظـور نابود کـردن هویت آن و همچنین سـاخت هیکلِ سـلیمان مـورد ادعای خـود در آن تنظیـم کـرده بـود، امروز بـه چنین وضعی رسـیده اسـت.

آیا در سال‌های اخیر و پیش از این هم کرانه باختری چنین مقاومتی را از خود نشان داده بود یا این اتفاق جدیدی است؟

در اینجـا بایـد بـه نـدای رهبـر انقـلاب در چند سـال قبـل یعنـی تأکید ایشـان بر لزوم تسـلیح کرانه باختری اشـاره کنـم. در آن زمان ایشـان با نگـرش آینده‌نگرانه‌شـان اهمیت انتقـال قدرت مقاومت به کرانـه باختری و قـدس را مورد توجه قـرار دادند.

طبیعتاً در آن زمان چنین چیزی وجود نداشـت و کرانه باختری مسـلح نبود، اما آنچـه اکنون اتفاق افتاده اسـت ـ به اعتقاد من ـ صحـت دیدگاه رهبر انقلاب و دوراندیشـی ایشـان در خصـوص لزوم حمایـت از مقاومـت در قدس، تسـلیح آن و نیز لـزوم خیزش کرانه باختری را نشـان داد.

مـا از همان زمان تاکنون از یک مقاومت قدرتمند در نـوار غـزه برخـوردار هسـتیم. بدیهی اسـت کـه همـواره اهتمام ویـژه‌ای به تحکیـم و تقویت مقاومـت در غـزه وجـود داشـته اسـت. بـا این حال اتفـاق جدید امـروز آن چیزی اسـت که در کرانـه باختری به وقوع پیوسـته و سـلاح در آنجا ظهـور و بـروز پیدا کـرده اسـت؛ چـه در گردان اردوگاه جنیـن و چه نـزد گروه‌های عرین‌الاسـود در نابلـس. وجود سـلاح در کرانه باختـری امروز به یـک پدیـده فراگیـر تبدیل شـده اسـت و ما همـواره خبـری از شـکل‌گیری گردان‌های جدید در هر یک از اردوگاه‌ها، روسـتاها و شهرهای کرانه باختری می‌شـنویم.

به نظر شما چه عواملی باعث شد در سطح کرانه باختری به این مرحله برسیم و چنین مقاومتی را شاهد باشیم؟

طبیعتـاً باید بـه صورت علمی و دقیـق تحولات را مورد بررسی قرار دهیم. در وهله اول باید قرائت و بررسـی دقیقی از موازنه‌های قدرت داشته باشیم. من فراتـر از توجه به اراده و اقدامات فلسـطین و رژیم‌صهیونیسـتی، به مسـأله تغییر و تحولات در موازنه‌های قدرت نـگاه می‌کنم.

سـؤال این اسـت که موازنه‌های قـدرت چگونه دسـتخوش تغییـر و تحـول شـدند؟ طبیعتـاً ما فلسطینیان بخشـی از موازنه‌های قدرت هستیم و جایـگاه مهـم خـود را داریم. مـا می‌توانیم این پدیده ظهور و بروز سـلاح در جنین، شـکل‌گیری عرین‌الاسـود یا پدیده مـادران شـهدایی را که با روحیه ایمـان، فـداکاری و شـجاعت از فرزندان شهیدشـان اسـتقبال به عمـل آوردند، بررسـی و تفسـیر کنیـم. چنین روحیـه‌ای پیش‌تـر تنها نزد تعداد معـدودی از مادران وجود داشـت، اما در حـال حاضـر به یـک پدیـده عمومـی تبدیل شـده اسـت به گونه‌ای که به ندرت مـادری پیدا می‌شـود کـه چنیـن روحیه‌ای نداشـته باشـد و فرزندانـش را بـه ادامـه مسـیر جهاد تشـویق و ترغیـب نکند.

موازنه قدرت در این دوران چه تغییراتی کرده است؟

در حال حاضـر در عرصه بین‌الملـل یک تحول مهـم در موازنه قـدرت رخ داده اسـت؛ از جمله اینکـه امریـکا در حـال از دسـت دادن هیمنـه و قـدرت خـود در نظـام بین‌المللـی اسـت و قطب‌هـای منطقـه‌ای و بین‌المللـی مهمـی در حال ظهـور و بروز هسـتند. وضعیـت اکنون در حال تغییر اسـت.

جنـگ کنونـی در اوکراین، نبـرد میـان امریکا و چیـن و نیز نقشـی که ایـران ـ همچنیـن ترکیه ـ در سـطوح مختلـف ایفـا می‌کننـد، جملگـی نشـانه‌های ایـن تغییـر هسـتند. تمامـی ایـن اتفاقـات حکایـت از آن دارد کـه جهـان حرکت خـود به سـمت یـک نظـام بین‌المللـی جدید را آغـاز کـرده تا یـک معادلـه بین‌المللـی نوین رقـم بخورد.

اکنون که می‌گوییم امریکا در حال ضعیف شدن است، این بدان معناسـت که رژیم‌صهیونیستی نیـز همین وضعیت را دارد، زیرا قدرت آن اساسـاً برگرفته از قدرت امریکا و غرب اسـت.

رژیم‌صهیونیسـتی در جنـوب لبنـان شکسـت خورد و سـال ۲۰۰۰ ناگزیر دسـت به عقب‌نشینی بی‌قیدوشـرط از آنجـا زد. ایـن رژیـم در جنگ سـال ۲۰۰۶ نیز متحمل شکست شد. در آن زمان هیبـت رژیم‌صهیونیسـتی به‌عنـوان یـک رژیم شکسـت‌ناپذیر درهم شکسـت. پـس از آن نیز صهیونیسـت‌ها تقریباً در پنج جنگ با مقاومت غزه شکسـت خوردند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان بـه جنگ‌هـای سـال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و جنگ «سیف القدس» در سال ۲۰۲۱ اشاره کرد. در نبرد «سـیف القدس» اوضاع نسـبت به نبردهای قبـل از آن کاملاً فـرق کرده بود.

شکست‌های رژیم‌صهیونیستی چه تأثیراتی بر مهاجرین و ساکنین سرزمین‌های اشغالی گذاشته است؟

شکسـت‌های رژیم‌صهیونیسـتی منجـر بـه ایجـاد تفاوت‌هـا و شـکاف عمیقـی در جامعـه صهیونیسـتی بیـن دو طرف اصلی کـه در قضیه فلسـطین دیدگاه یکسانی داشـتند، شده است. اختلافـات قابل‌توجهی بین صهیونیسـت‌ها به وجود آمده اسـت و آنها خودشـان را بـه نابودی می‌کشـانند. همچنین مشخص شـده است که دل‌های آنان با یکدیگر نزدیک نیسـت. دشـمن امـروز ضعیـف و ناتوان اسـت. ما در فلسـطین یـک ضرب‌المثل داریـم که می‌گوید: «از چشـم می‌افتـی.» ایـن به چه معناسـت؟ یعنـی حمله به تو بسـیار آسان می‌شود و دشـمنت دیگر از تو نمی‌ترسـد و به تو حملـه می‌کند. مـن می‌بینم که مردم و جوانان فلسـطین و همچنین مادران، هیبت دشـمن دیگر از چشم‌شـان افتاده است. منظـورم این اسـت که صهیونیسـت‌ها دیگر آن هیبـت سـابق را ندارنـد و آنچـه امروز از سـوی جوانان فلسـطینی مشـاهده می‌کنیم، عملیات هجومی و نـه دفاعی اسـت؛ یعنـی عملیاتی که به آنهـا «عملیات فـردی» می‌گویند.

تمام عملیـات جوانان هجومی بوده و مهم‌ترین نکته آن اسـت که نشانگر خواسـت و اراده مردم بـرای تکـرار چنین عملیاتـی اسـت. جوانی که دسـت بـه ایـن عملیـات می‌زنـد، یـک اقدام فـردی نشـأت گرفتـه از یک تصمیم شـخصی را انجـام نمی‌دهد، بلکـه چنین عملیاتـی بیانگر اراده مردمی اسـت، زیـرا وقتی عامـل عملیات بـه شـهادت می‌رسـد، مـردم بـه گرمـی از او [پیکـر او] اسـتقبال و صحنه‌های بی‌سـابقه‌ای را خلـق می‌کننـد. افکارعمومـی پـس از چنین عملیاتـی، توجه ویـژه‌ای به پـدر و مـادر عامل عملیـات می‌کنـد. این نشـان می‌دهد مـا وارد مرحلـه جدیـدی از عملیـات هجومـی علیـه صهیونیسـت‌ها شـده‌ایم.

اگر بخواهیم این روحیه و میل جدید مردم برای مقاومت را تحلیل کنیم به نظر شما امروز محور مقاومت مقابل رژیم‌صهیونیستی کجا ایستاده است؟

طبیعتـاً اینجا بایـد به موازنه قـدرت و همچنین ضعـف امریکا اشـاره کنیم. از سـوی دیگـر باید بگوییـم در حـال حاضر یک جهـان چندقطبی شـکل گرفته اسـت. در منطقه، محور مقاومت ایسـتادگی کرد. ایران نیز برابر محاصره و حملات بسـیار و اقدامات دیگر مقاومت کـرد. از همین رو، موازنـه قـدرت بـه نفـع مقاومت در سـطح منطقه رخ داده و آرایش قبلی دسـتخوش تغییر شده است.

امروز حزب‌الله از قدرت موشـکی بالایی برخوردار اسـت تا جایی کـه دشـمن می‌گوید ایـن گروه حـدود ۱۵۰ هزار موشـک ـ شـاید هم بیشـتر ـ در اختیـار دارد. ایـن برآورد دشـمن اسـت و اجازه دهیـد ما بـه همیـن برآوردهایی که آنهـا دارند، بسـنده کنیم.

این حجم از قدرت موشـکی از کجا آمده است و معنا و مفهوم آن چیسـت؟ این موشک‌ها به کجا می‌روند؟ ملت فلسـطین این ماجـرا را می‌داند. امـروز یک قدرت مسـتحکم در چهارچوب محور مقاومـت ایجـاد شـده اسـت؛ قدرتی کـه دیگر امریکا و رژیم‌صهیونیسـتی نمی‌توانند به آسـانی آن را مـورد هجوم قـرار دهند. معتقـدم در حال حاضر گزینه‌هـای جنگ علیه ایـران، حزب‌الله، حماس و جهاد اسـلامی در فلسطین از روی میز برداشـته شده است.

این شرایط چه تفاوتی با دوران گذشته مقاومت کرده است؟

مـن سـال ۱۹۸۲ را بـه یـاد مـی‌آورم؛ زمانی که مقاومت موشک کاتیوشـا در اختیار داشت و این موشـک قادر به طی کردن مسـافتی بیش از ۴۰ کیلومتر نبود. کاتیوشـا در آن زمان عملاً خطری برای دشـمن محسـوب نمی‌شد.

رژیم‌صهیونیستی سـال ۱۹۸۲ جنگ خطرناکی را کـه تقریبـاً ۸۵ روز به طول انجامیـد علیه لبنان بـه راه انداخت. صهیونیسـت‌ها در طول جنگ، بمباران‌های شـدید را در دسـتور کار قرار دادند و در نهایت مقاومت فلسـطین را بـه تونس تبعید کردنـد. این دسـتاوردی بود که تل‌آویو در سـال ۱۹۸۲ محقـق سـاخت. با این حال امـروز زمانی که صهیونیسـت‌ها قـدرت مقاومـت را در لبنان مشـاهده می‌کنند، می‌بیننـد که دیگـر قادر به راه انداختـن جنگ علیه آنها نیسـتند. این خود نشـانه آشـکار ضعف و هـراس صهیونیسـت‌ها است.

قطعاً اگر صهیونیسـم از قدرت خود در راه‌اندازی جنگ و تحقق پیـروزی در آن اطمینان داشـت، دسـت بـه چنیـن اقدامـی مـی‌زد و هیچ‌چیـز جلـودارش نبـود. امـروز صهیونیسـت‌ها حتی از ورود بـه جنگ هوایـی ـ نه زمینـی ـ هم هراس دارنـد، زیـرا می‌داننـد متحمـل خسـارت‌های غیرقابـل تحملی خواهند شـد.

بر اسـاس آنچه گفته شـد، ما امـروز وارد مرحله جدیـدی شـده‌ایم کـه درسـت نقطـه مقابـل اسـتراتژی بین‌المللـی کـه مبتنی بـر حمایت از رژیم‌صهیونیسـتی از زمـان تأسـیس آن تاکنون بوده اسـت، قرار دارد. بر اسـاس این استراتژی، رژیم‌صهیونیسـتی امـروز باید از قـدرت و برتری کامـل بـر تمامـی کشـورهای منطقـه و نیـز از توانایی لازم برای حمله به این کشـورها برخوردار می بود.

ایـن وضعیـت رژیـم را با شـرایط قبلی مقایسـه کنیـد، مثلاً زمانـی که عـراق برای تأسـیس یک مرکز هسـته‌ای یـا چیزی شـبیه آن تـلاش کرد. صهیونیسـت‌ها آن را مـورد هجـوم قـرار دادند و نابود کردند. صهیونیسـت‌ها سـال ۱۹۶۷ در مصر چـه کردند؟ آنها ضمـن هجوم به مصـر، صحرای سـینا را اشـغال کردند و کرانه باختـری، قدس و جـولان را نیز تحت اشـغال خـود درآوردند.

آیـا تغییـر و تحـولات منطقـه‌ای و بین‌المللـی و دسـتاوردهایی که محور مقاومت محقق ساخت، این انگیـزه و روحیـه را نزد گروه‌های فلسـطینی به وجـود آورد که داخل فلسـطین نیـز معادله را تغییر دهند؟

بلـه، امـروز شـما جوانانـی را کـه علیـه صهیونیسـت‌ها دسـت بـه عملیـات می‌زننـد، می‌بینیـد. آنهـا با خودرو، سـلاح سـرد یا سـلاح گـرم به دشـمن حملـه می‌کنند. خطـری که در ایـن مرحلـه صهیونیسـت‌ها را تهدیـد می‌کنـد این اسـت که حمل سـلاح از کنتـرل آنها خارج شـده اسـت. دشـمن نمی‌توانـد این سـلاح‌ها را جمـع‌آوری کنـد و این مشـکل بزرگی بـرای آن است.

امروز کاری که دشـمن در جنیـن و نابلس انجام می‌دهد، نفـوذ پنهانـی و مخفیانه و سـپس ترور یک، دو یا سه فلسطینی در آنجاست. اسرائیلی‌ها به‌گونـه‌ای رفتار می‌کنند که گویـی در حال رفتن به «منطقه دشـمن» هسـتند و نـه «منطقه تحت اشغال خود.»

به‌عنوان مثال سـال ۲۰۰۲ دشـمن صهیونیسـتی زمانـی کـه نشـانه‌های مقاومـت قدرتمندانـه را مشـاهده کـرد، چـه کـرد؟ بـه اردوگاه جنیـن حمله کرد. ایـن جنگ ۱۴ روز به طـول انجامید و موجـب تغییر دو ژنرال شـد. در آن زمان دشـمن صهیونیست با مقاومت شـجاعانه و قهرمانانه‌ای مواجه شـد، هرچند قتل و کشـتار بسیاری انجام داد و افـراد زیـادی را به اسـارت گرفت.

اکنـون وضعیت فرق کرده اسـت و دشـمن دیگر نمی‌توانـد کارهایی را که در گذشـته انجام می‌داد امروز به انجام برسـاند، زیرا هراسـان است.

شما ریشه و علت این ضعف و ترس رژیم را در چه می‌دانید؟

مقصـودم ایـن نیسـت که دشـمن فاقـد ارتش اسـت، بلکه برعکس، دشمن از ارتش، تسلیحات و پهپادهـا برخوردار اسـت اما هـراس دارد که اگر دسـت به حمله بزنـد، شـاید این اقـدام به یک انفجار بزرگ منجر شـود و به دنبال آن، سـاکنان غزه و حتی سـاکنان اراضی سـال ۱۹۴۸ به حرکت درآیند و تمام اقشـار ملت فلسطین بیش از پیش بـا یکدیگر متحد و یکپارچه شـوند.

همچنین دشـمن هراس دارد کـه مقاومت لبنان نیـز ـ در چهارچـوب وحدت محورهـا و میدان‌ها ـ به حرکت درآید؛ درسـت مانند اتفاقـی که در ماه مبـارک رمضـان رخ داد و موشـک‌هایی از لبنان و سـوریه شـلیک شـد. به دنبـال ایـن اتفاقات، دشـمن از وحـدت محورهـا و میدان‌هـا سـخن گفـت. این بـدان معناسـت کـه مـا وارد مرحله جدیدی شـده‌ایم.

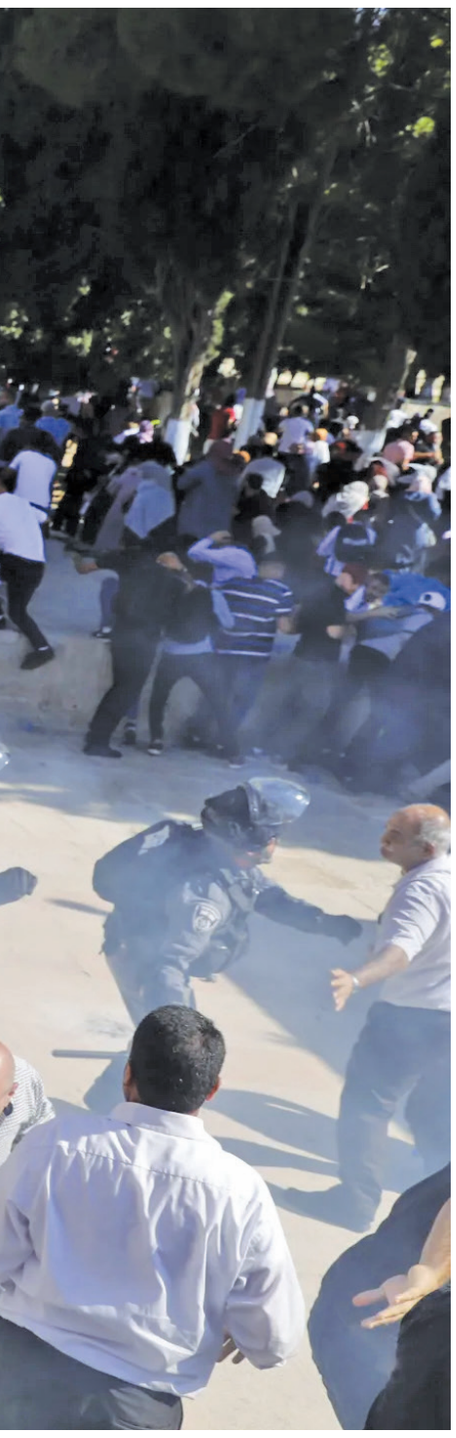

«وحدت میدان ها» تصمیمی بزرگ و نشان دهنده شجاعت بسیار زیاد و نگرش ژرف نسبت به امور است. این تصمیم یک تصمیم استراتژیک است که نتایج خاص خود را دارد. یکی از این نتایج، وقوع جنگ است و در جنگ نیز پیروزی و شکست وجود دارد. این تصمیم به این معناست که در یک موقعیت تهاجمی قرار گرفته اید و مطمئن هستید، پیروز می شوید. بر این اساس معتقدم، تصمیمات رهبر انقلاب، تصمیمات حساب شده ای است که از روی هیجان اتخاذ نشده است